

اخبار فرهنگی

خسرو بامداد درگذشت

خسرو بامداد، محقق، مدرس، نویسنده و کارگردان پیشکسوت تئاتر در ۸۴ سالگی دارفانی را وداع گفت.

نمایشنامه‌های «چاقو تیز کن»، «بدرود تاابد»، «حسنک وزیر»، «منصور حلاج»، «دوزن» و «خسی در میعاد» بخشی از آثار این هنرمند در مقام نمایشنامه‌نویس است. «خرس»، «توهم»، «سفری در کویر»، «شب بارانی» و «مستخدم ماشینی» از جمله آثاری است که بامداد به عنوان کارگردان روی صحنه برده‌است. تحلیل آثار نمایشی نمایشنامه‌نویسانی چون شکسپیر، استریندر برگ، هارولد پینتر، یونسکو، اوژین اونیل از دیگر فعالیت های این محقق و مدرس تئاتر به‌شمار می‌آید.



وزیر ارشاد:

همکاری با رسانه‌های تروریستی با مجازات و محرومیت همراه است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره افرادی که با رسانه‌های معاند فارسی‌زبان همکاری می‌کنند، گفت: همکاری

با رسانه‌های تروریستی حتماً با مجازات و محرومیت روبه‌روست. به گزارش ایلنا، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه هیأت دولت با اشاره به بیانیه وزارت اطلاعات که ایران اینترنت‌نشان را یک سازمان تروریستی نامیده، درباره مجازات همکاری با این رسانه تصریح کرد: طبق قانون همکاری با رسانه‌های تروریستی با مجازات و محرومیت همراه است. وی افزود: البته ما شبیه‌هایی مانند این شبکه را رسانه نمی‌دانیم بلکه این‌ها یک رسانه تروریستی هستند و در دو ماه اخیر نیز مردم عملکرد آن‌ها را دیده‌اند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: در گفت‌وگوهایی که توسط برخی از این شبکه‌ها پخش شد، نشان داده‌شد که این‌ها به دنبال ایجاد ناامنی و تفرقه‌وازی بین بردن وحدت سرزمینی هستند.



منوع الوردی ۱۳۰ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی

معاون دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی تهران با اشاره به ممنوع الوردی موقت برخی دانشجویان در پی وقایع اخیر در دانشگاه گفت: در حال حاضر به حدود ۱۳۰ نفر از دانشجویان از طریق تماس با پیامک اعلام‌شده که ممنوع الورد هستند. مهدی واحدی افزود: این تعداد شاید بالغ بر ۴۰ تا ۵۰ نفر به‌صورت مکتوب متعهد شده‌اند که اقدامات فرافرونی خود را تکرار نخواهند کرد. در همین راستا ممنوعیت ورود کسانی که متعهد شدند لغو شده است تا زمانی که شورای انضباطی تشکیل شود. واحدی با اشاره به اینکه برای تعدادی از دانشجویان شورای انضباطی تشکیل شده است، خاطر نشان کرد: برای برخی دانشجویان متخلف پرونده انضباطی تشکیل شده و برای برخی رای بدوی صادر شده‌است.



تفتیش عقاید یک آسیابان!

«پنیر و کرم‌ها؛ جهان یک آسیابان قرن شانزدهمی» نوشته کارلو گینزبرگ با ترجمه ابودر فتاحی زاده و محمدجواد عبدالمهی منتشر شد. به گزارش اسپنا، اهمیت کتاب حاضر در این است که خلاف آمد عادت رایج واقع‌نویسان که مردان تربیت‌یافته‌ای چون برونو و گالیله را دستمایه خوانش خویش از تاریخ ساخته‌اند، شخصی از مردمان عادی را در کانون توجه خویش قرار داده‌است تا زمینه و زمانه‌وار از این رهگذار با آفرینی کند و روزنی به تاریخی ناشنیده بگشاید که در آن دباغان در معیت یکدیگر در پستوها کتاب‌های ممنوعه‌می‌خوانند «پنیر و کرم‌ها؛ جهان یک آسیابان قرن شانزدهمی» نوشته کارلو گینزبرگ با ترجمه ابودر فتاحی زاده و محمدجواد عبدالمهی در ۳۷۶ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۲۲۵ هزار تومان در فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم راهی بازار کتاب شده‌است.



تفتیش عقاید یک آسیابان!



عبدالمهی منتشر شد. به گزارش اسپنا، اهمیت کتاب حاضر در این است که خلاف آمد عادت رایج واقع‌نویسان که مردان تربیت‌یافته‌ای چون برونو و گالیله را دستمایه خوانش خویش از تاریخ ساخته‌اند، شخصی از مردمان عادی را در کانون توجه خویش قرار داده‌است تا زمینه و زمانه‌وار از این رهگذار با آفرینی کند و روزنی به تاریخی ناشنیده بگشاید که در آن دباغان در معیت یکدیگر در پستوها کتاب‌های ممنوعه‌می‌خوانند «پنیر و کرم‌ها؛ جهان یک آسیابان قرن شانزدهمی» نوشته کارلو گینزبرگ با ترجمه ابودر فتاحی زاده و محمدجواد عبدالمهی در ۳۷۶ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۲۲۵ هزار تومان در فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم راهی بازار کتاب شده‌است.

در باب امکان یا امتناع اجرای تئاتر در این روزهای پر التهاب

گشایش یا فرو بستگی؟



به نمایش نمی‌گذارد. موقعیت مکانی مدرن دارد. رویکردی که با توجه به فضای پر التهاب اجتماعی این روزهای کشور، به نظر نقدی رادیکال نمی‌تواند باشد.

از این منظر می‌توان بر این اجرا این نقد را وارد دانست که «نسبت این نمایش و فضای تیره و تاری که ترسیم کرده با اینجا و اکنون ما چیست؟» مخصوصاً اگر این نکته را مدنظر داشته باشیم که این گروه جوان تئاتری از غرب کشور به تهران آمده‌است و می‌دانیم که مردمان غرب کشور برای خروج از توسعه‌نیافتگی با صنعت و تکنولوژی همدلی دارند. اما طنز ماجرا اینجاست که هنرمندان جوانی که از آن منطقه به مرکز تئاتر کشور آمده‌اند بیش از آنکه مسائل و مصائب مردمان خویش را بازتاب دهند در پی نقد مدرنیزاسیون هستند و علیه عقلانیت ابزاری بیانیه می‌خوانند.

بنابراین پرسش از ضرورت اجرای تئاتر باید با پرسش دیگری همچون «به راستی کدام تئاتر؟» همراه شود. «اتاق کوکی» به آینده می‌پردازد اما

به نمایش نمی‌گذارد. موقعیت مکانی تاریخی نمایش یادآور سرمایه‌داری غرب است و حتی شخصیت‌ها با زمانه‌ای که به آن خیره شده‌است؟

امیر جاسمیان آزاد در مقام نویسنده، نگاهی کمابیش متعارف دارد به جهانی که خلق کرده. یک فضای دیستوپیایی که در چنبره ماشین و نظم بروکر اتیک، از انسان‌ها عاملیت‌زدایی می‌کند و آن‌ها را همچون موجودات تک‌ساحتی به انقیاد خویش درمی‌آورد. اجرای «اتاق کوکی» گرفتار نمادگرایی است و چندان امکان گشایش و مقاومت را

فی‌المثل اجرایی چون «اتاق کوکی» را با آن فضای خودآیین و انکشی محافظه‌کارانه فرض کرد به روح زمانه‌ای که به آن خیره شده‌است؟ امیر جاسمیان آزاد در مقام نویسنده، نگاهی کمابیش متعارف دارد به جهانی که خلق کرده. یک فضای دیستوپیایی که در چنبره ماشین و نظم بروکر اتیک، از انسان‌ها عاملیت‌زدایی می‌کند و آن‌ها را همچون موجودات تک‌ساحتی به انقیاد خویش درمی‌آورد. اجرای «اتاق کوکی» گرفتار نمادگرایی است و چندان امکان گشایش و مقاومت را



طنز ماجرا اینجاست که هنرمندان جوانی که از غرب کشور به مرکز تئاتر تهران آمده‌اند بیش از آنکه مسائل و مصائب مردمان خویش را باز تاب دهند در پی نقد مدرنیزاسیون هستند و علیه عقلانیت ابزاری بیانیه می‌خوانند

محمد حسن خدایی

یکم-تقلای قابل اعتنای تئاتر جوانان خارج از مرکز: نمایش اتاق کوکی

این روزها بار دیگر پرسش از ضرورت به صحنه آوردن یک اجرای تئاتری در این شرایط دشوار اجتماعی مطرح است. پرسشی که با توجه به التهابات دو ماه اخیر می‌بایست مهم تلقی شود.

اگر روزگاری آدورنو بر خودآیینی اثر هنری تأکید داشت و این گونه می‌نوشت که «هنر به این دلیل امری اجتماعی نیست که محتوای مادی‌اش را از جامعه برمی‌گیرد؛ برعکس، امری اجتماعی است عمدتاً به این دلیل که در تقابل با جامعه می‌ایستد.

اینک هنر تنها از آن رومی‌تواند چنین تقابلی را برقرار کند که خودبنیاد شده است. هنر با منعقد کردن خود درون و وجودی که رو به خویش دارد جامعه را نقد می‌کند.»

حال با توجه به حال و هوای این روزهای کشور، می‌توان پرسش آدورنو را این گونه بسط داد که آیا می‌توان همچنان بر خودآیینی پای فشرد و

گزارش

استعفا هم برای برگزارکنندگان انتخابات کافی نبود!

رد صلاحیت به حسین انتظامی رسید

موجود – که از مراجع همراه آمده‌اند – حتی قابل درک هم نیست. من تا دو ماه پیش مطلقاً برنامه‌ای برای حضور در این انتخابات نداشتم. باز گشت به جایی که قبلاً بوده‌ای معمولاً بی معناست و ارزش افزوده‌ای هم ندارد مثل خدا حافظی یک فوتبالیست از بازی کرده‌ای می‌ماند که با او بختن کفش‌ها، جا را برای دیگران باز می‌کند. این گرایش و تصمیم خود را بارها اعلام کرده بودم. اما تماس‌های مکرر مدیران رسانه‌ای و تشکل‌های صنفی، مرا به این نتیجه رساند حال که در شرایط به اصطلاح حساس کنونی، به چومنی امید بسته‌اند، عافیت طلبی، ناجوانمردی و قدر نشناسی است که با پیش نگذارم.

با رسیدن این خبر به گوش آقایان، به فکر چاره‌جویی افتادند. ابتداء به من گفته شد در صورت ثبت نام باید از مسئولیت خود (مشاورت وزیر و دبیری کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) استعفا بدهی؛ پذیرفتم و استعفا خود را برای وزیر محترم ارسال کردم؛ چون در طی سال‌های گذشته که مسئولیت دولتی هم داشته‌ام به روزی وقت و در نوشته‌ها و اظهار نظرهای علنی بارها گفته‌ام شرافت نمایندگی رسانه‌ها را به هر پستی ترجیح می‌دهم و اگر بین نمایندگی و یک سمت، مخیر شوم، بدون تردید اولی را انتخاب می‌کنم.

فکر این را نمی‌کردند! حال، برگ بعدی را رو و مراد صلاحیت کرده‌اند و حجت را هم بر من تمام. از بین قریب ۵۵۰ نامزد چند نفر معدود را رد کرده‌اند که به قول یکی از آقایان، بعداً گفته نشود فقط یک نفر بوده!

نسبت خویش را با «اکنون» نمی‌تواند روشن کند چرا که به نظر می‌آید از آن عقب افتاده است. اجرایی که بر خودآیینی خویش در نسبت با اتفاقات سیاسی زمانه‌اش تأکید دارد اما این روزها تئاتر بیرون از سالن‌های در حال اجرا شدن است.

دوم – تکاپوی این روزهای تئاتر بدنه: دوستان کم‌دی

از معدود اجراهایی که این روزها در یکی از سالن‌های تئاتری تهران بر صحنه است و تلالش دارد نظر مخاطبان را تا حد امکان تأمین کند اجرای «دوستان کُمدی» است. نمایشنامه‌ای از «گایور راسوو» با ترجمه ساناز فلاح‌فرد که به تک‌فنادگی و انزوای انسان مدرن می‌پردازد و جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که با پرداخت مقداری پول، می‌شود در آن برای خود دوست تهیه کرد و ابایی از نگهداری‌اش در یک کُمد دیواری نداشت.

بایک توسلی در مقام کارگردان به نمایشنامه وفادار مانده و روایتی کمابیش متعارف از این کمدی سیاه بر صحنه آورده‌است. زیباشناسی این اجرا کمابیش در راستای آن چیزی است که طبقه متوسط شهری ساکن کلانشهر تهران در این سال‌ها در پی آن بوده است. اجرایی با بازیگران شناخته‌شده تئاتر و سینما که فروش خوب در گیشه را تا حدودی تضمین کنند.

البته از یاد نباید برد که چگونه طراحی صحنه امیر حسین دونای با استفاده حداکثری از آیینیه‌های موج، تلاش دارد مخاطبان را در یک وضعیت هستی‌شناختی تدافعی قرار دهد و به نوعی آنان را مرعوب تصویر چپست؟» مخصوصاً اگر این نکته را مدنظر داشته باشیم که این گروه جوان تئاتری از غرب کشور به تهران آمده‌است و می‌دانیم که مردمان غرب کشور برای خروج از توسعه‌نیافتگی با صنعت و تکنولوژی همدلی دارند. اما طنز ماجرا اینجاست که هنرمندان جوانی که از آن منطقه به مرکز تئاتر کشور آمده‌اند بیش از آنکه مسائل و مصائب مردمان خویش را بازتاب دهند در پی نقد مدرنیزاسیون هستند و علیه عقلانیت ابزاری بیانیه می‌خوانند.

بنابراین پرسش از ضرورت اجرای تئاتر باید با پرسش دیگری همچون «به راستی کدام تئاتر؟» همراه شود. «اتاق کوکی» به آینده می‌پردازد اما

به نمایش نمی‌گذارد. موقعیت مکانی تاریخی نمایش یادآور سرمایه‌داری غرب است و حتی شخصیت‌ها با زمانه‌ای که به آن خیره شده‌است؟

حال با توجه به حال و هوای این روزهای کشور، می‌توان پرسش آدورنو را این گونه بسط داد که آیا می‌توان همچنان بر خودآیینی پای فشر دو فی‌المثل اجرایی چون «اتاق کوکی» را با آن فضای خودآیین و انکشی محافظه‌کارانه فرض کرد؟

راسوو» کاسته تا مفرح‌تر به نظر آید. به هر حال مناسبات مادی تولید تئاتر در سالن مولوی با پردیس تئاتر شهر زاد تفاوت دارد و زیباشناسی گروه‌های جوان دانشجویی در بازنمایی روابط انسانی با یک گروه حرفه‌ای نمی‌تواند هم‌راستا باشد.

نمایشنامه دوستان کم‌دی چشم‌اندازی از آینده را در مقابل دیدگان ما می‌گشاید. این‌که سرمایه‌داری برای تمامی رنج‌های بشری راه‌حل‌های کاربردی دارد و تنها کافی است که انسان مدرن با این فرصت‌ها به شکل همدلانه‌ای روبرو شود و با پرداخت پول لازم، فی‌المثل برای تنهایی و انزوای خویش، یک «دوست» تهیه کند.

علاوه بر این دوا اجرا، نمایش «اوج طوفان» به نویسندگی فلوریان زلر و کارگردانی مسعود صالحی یکی دیگر از نمایش‌هایی است که می‌تواند مورد توجه مخاطبانی باشد که این روزها به هر صورت تصمیم گرفته‌اند به تماشای یک اجرا بنشینند.

فلوریان زلر بار دیگر به روابط انسانی در دل یک خانواده پرداخته و مسئله فراموشی و طردشدگی انسان‌ها را روایت می‌کند. پدری که گذشته‌ای پر فراز و نشیب داشته و به اجبار و در خانه خویش به همراه خانواده‌اش با زنی ملاقات می‌کند که روزگاری عاشق او بوده‌است.

مسعود صالحی با ریتمی کند و بازی‌های کنترل‌شده، تلاش دارد سرگذشت انسان منزوی جهان مدرن را به نمایش گذارد. بنابراین بار دیگر شاهد بحران اخلاقیات هستیم و حتی مرگ طبیعی و نمادین به تمامی این مسائل را رفع و رجوع نمی‌کند. «اوج طوفان» استعاره‌ای است هوشمندانه در دل یک وضعیت متصلب که گویا همه چیز طبق روال عادی در جریان است. اما کیست که نداند برای خروج از ملال و دستان‌بایی به سعادت، گاهی به اوج طوفان‌ها احتیاج است.



امکان قانونی اعتراض هم نیست. از مدیران رسانه‌ها که همواره به این کوچک لطف داشته‌اند، عذرخواهی می‌کنم که نتوانستیم انجام وظیفه کنیم و تا پایان عمر، قدر دان هشت دوره اعتماد آنان و دعوت این بار هستم و مطمئنم با هوشمندی خود متوجه این نکته هستند که آقایان برای کارهای خیلی بزرگتر، آدم‌های خیلی بزرگتری را با همین حربه، از میدان به در کرده‌اند و چنین کار کوچکی برایشان اصلاً سخت نبوده و نیست.

انتظامی در ادامه‌ی این یادداشت با اشاره به اینکه استعفا از سمت فعلی‌اش گویا برای برگزاردکنندگان انتخابات کافی نبوده‌است، به ماجرای رد صلاحیتش پس از این استعفا پرداخت و گفت: «برگ بعدی را رو و مراد صلاحیت کرده‌اند و حجت را هم بر من تمام. از بین قریب ۵۵۰ نامزد چند نفر معدود را رد کرده‌اند که به قول یکی از آقایان، بعداً گفته نشود فقط یک نفر بوده» امکان قانونی اعتراض هم نیست.»